



بررسی تطبیقی گفتمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: دوره سازندگی و اصلاحات)

سید محمدرضا موسوی^۱

چکیده:

این مقاله به بررسی تطبیقی و تحلیلی گفتمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دو دوره سازندگی و اصلاحات، می‌پردازد. در این مطالعه، تحولات ساختاری و استراتژیک در سیاست خارجی ایران بر اساس رویکردهای داخلی و بین‌المللی مورد تحلیل قرار گرفته است. در دوره سازندگی، اصولی چون نوسازی اقتصادی، حفظ تمامیت ارضی، تنش‌زدایی و عادی‌سازی روابط با کشورهای منطقه و جهان، محورهای اصلی سیاست خارجی بودند. این اصول بر مبنای ارزش‌های اسلامی و منافع ملی تنظیم شده و در قالب استراتژی چندجانبه‌گرایی و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی پیگیری شد. در دوره اصلاحات، تمرکز بر توسعه سیاسی- فرهنگی، گفت‌وگوی تمدن‌ها، تنش‌زدایی و بهبود روابط با اروپا و کشورهای همسایه، تغییراتی در گفتمان سیاست خارجی ایجاد کرد. سیاست‌های ایران در این دوره، بر مبنای هنجارهای بین‌المللی، پذیرش سازمان‌های جهانی و تلاش برای کاهش تنش‌ها قرار گرفت. در این مطالعه، نقش سازمان ملل، جنبش عدم تعهد، آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و روابط با کشورهای منطقه و جهان، به تفصیل بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که سیاست خارجی ایران در هر دوره، تحت تأثیر عوامل داخلی، منطقه‌ای و جهانی، تغییراتی اساسی داشته و در مسیر حفظ منافع ملی، تلاش‌های قابل توجهی صورت گرفته است.

واژگان اصلی: مقایسه تطبیقی، گفتمان، سیاست خارجی، دوره سازندگی، دوره اصلاحات.

مقدمه

در دوره سازندگی، تحولات بی‌سابقه‌ای در ساختار قدرت داخلی و خارجی ایران رخ داد که به تدریج سیاست‌های انقلابی کشور را دچار تغییر و تحول کرد. این تغییرات داخلی شامل پایان جنگ عراق و ایران در تاریخ ۲۷ تیر ۱۳۶۷، رحلت امام خمینی (ره) در خرداد ۱۳۶۸، انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر انقلاب، اصلاح قانون اساسی و تمرکز بیشتر بر قدرت اجرایی و افزایش اختیارات آن بود. در عرصه بین‌المللی، تحولات مهمی مانند جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد شوروی، نقش بسزایی در شکل‌گیری رویکردهای جدید در سیاست خارجی ایران ایفا کردند. این تحولات، به آرامی و به صورت قاطع، آموزه‌ها و رویه‌های عملی ایران را در حوزه سیاست خارجی دگرگون ساختند. پس از پایان جنگ عراق علیه ایران، دوره جدیدی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی آغاز شد که به عنوان دوره سازندگی شناخته می‌شود. برخی معتقدند که با پایان جنگ، فصل دوم جمهوری اسلامی نیز آغاز شد (احتشامی، ۱۳۷۸: ۵۹). در این زمان، مؤلفه‌هایی مانند پایان جنگ و خرابی‌های ناشی از آن، محاصره اقتصادی و مشکلات اقتصادی داخلی، همراه با فروپاشی اتحاد شوروی و گشایش‌های ناشی از پایان جنگ سرد، سبب شد تا توسعه‌گرایی اقتصادی به عنوان گفتمان غالب در سیاست خارجی ایران مطرح شود. این دوره، در حالی که استمرار سیاست‌های قبلی را حفظ می‌کرد، دچار تغییر و تحولانی نیز شد که ناشی از عوامل و متغیرهای فردی، ملی و بین‌المللی بودند و رفتارهای جدیدی در سطح سیاست خارجی ایران شکل دادند. تا پیش از آغاز دولت اصلاحات، به دلیل مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی، روند اصلاحات سرعت کافی نداشت، اما با پایان جنگ و اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی، زمینه برای تسریع اصلاحات فراهم شد. با پیروزی دولت اصلاحات در انتخابات ۱۳۷۶، روند اصلاحات سرعت بیشتری گرفت و دوره جدیدی در سیاست خارجی آغاز شد. در این دوره، که به «دوران اصلاحات» معروف شد، سیاست خارجی در عین تداوم، دچار تغییرات بنیادین در گفتمان سیاسی نظام شد. توسعه‌گرایی سیاسی-فرهنگی، تنش‌زدایی و اعتمادسازی در اولویت قرار گرفتند. سیاست تنش‌زدایی که از دوران رفسنجانی آغاز شده بود و در اواخر دوران وی با چالش‌هایی مواجه شده بود، در این دوره با شدت بیشتری پیگیری شد. در راستای این سیاست، جمهوری اسلامی به عادی‌سازی روابط با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، اروپا و آمریکا پرداخت و فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای از موضوع‌های مهم سیاست خارجی ایران شد.

۱. اصول سیاست خارجی در دوران سازندگی

در اینجا، موضوعی که باید در نظر داشت، این است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، در ادوار مختلف همواره، تحولات گوناگونی داشته است. بنا به دوره‌بندی‌هایی که در سیاست منطقه‌ای و جهانی مورد توجه است، سیاست خارجی ایران نیز دچار تغییراتی می‌شود. در این دوران، بیشترین موضوعی که مورد توجه بود، تنش‌زدایی در سیاست خارجی و رفتن به سمت سیاست خارجی مبتنی بر همکاری و دوستی با دیگر کشورهاست^۱ "منافع ملی ایران بر مبنای ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی تعریف و تبیین می‌شد؛ مانند حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش، صدور انقلاب، وحدت جهان اسلام و حمایت از جامعه جهانی اسلام. میان اهداف فراملی و ملی اولویت‌بندی ایجاد شد. در نتیجه، اصول و الگوهای رفتاری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس محورهای زیر مطرح شد: (۱) نوسازی و توسعه اقتصادی؛ (۲) تقدیم منافع و اهداف ملی بر اهداف فراملی؛ (۳) حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت ملی؛ (۴) در دستور کار قرار گرفتن عادی‌سازی و تنش‌زدایی در روابط داخلی با دیگر کشورها؛ (۵) عضویت و مشارکت فعال در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در چهارچوب استراتژی چندجانبه‌گرایی. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۴۰۵)

۲. نوسازی و توسعه اقتصادی

نوسازی و توسعه اقتصاد ملی از اصولی بود که هاشمی در دوران مدیریت خود بر آن پافشاری می‌کرد. این موضوع، ریشه در رویکرد واقع‌گرایانه جمهوری اسلامی در دوران پس از جنگ سرد و پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران داشت. همچنین، آبخور تحولاتی بود که در دنیا در حال رخ دادن بود.

توضیح آنکه پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و در پی آن، بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ و ضرورت تبدیل نظام اقتصادی جنگی به نظام اقتصادی بازار آزاد، اصلاح‌طلبی اقتصادی را در قالب برنامه پنج ساله در پی داشت. توسعه و رفاه اقتصادی افزون بر تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی و بقای آن، زمینه و بستر لازم را برای صدور انقلاب فراهم می‌ساخت. (ازغندی، ۱۳۸۰: ۱۴۳) بنابراین در این دوره، بسیاری از شاخص‌های اقتصادی دهه اول انقلاب که تحت‌الشعاع عوامل سیاسی-اقتصادی و ایدئولوژیکی و فرهنگی و همچنین، عملکرد نهادهای انقلابی ایران قرار

داشت، نسبتاً به حالت تعادل رسید. به عنوان نمونه، آرمان‌خواهی انقلابی که در دهه اول انقلاب به دولت‌گرایی اقتصادی و اجتماعی و ملی شدن بانک‌ها و غیره منجر شده بود، در این دوره، نسبتاً جنبه واقع‌گرایانه‌ای به خود گرفت و خصوصی‌سازی به مثابه مهم‌ترین هدف برنامه توسعه پیگیری شد. در نتیجه، مدل اقتصادی کشور از اقتصاد دولت محور به سمت اقتصاد بازار آزاد در راستای خصوصی‌سازی حرکت کرد.

استراتژی‌ها عبارتند از: ۱) خصوصی‌سازی؛ ۲- ضابطه‌زدایی فعالیت‌های اقتصادی در حوزه خدمات مالی و بانکی؛ ۳) تشویق سرمایه‌گذاری‌های خارجی در حوزه اقتصاد داخلی؛ ۴) دریافت قرضه خارجی؛ ۵) ایجاد مناطق آزاد در سراسر کشور؛ ۶) آزادسازی قیمت‌ها؛ ۷) برگرداندن متخصصان و سرمایه‌های ایرانی خارج از کشور. (احتشامی، ۱۳۷۸: ۲۴)

۳. حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت ملی

هر دولتی، در قدم اول، وظیفه تأمین امنیت و حفظ تمامیت ارضی را به دوش داشته است و در صورت عدم موفقیت در این دو عرصه مهم، مشروعیت و مقبولیت خود را از دست خواهد داد. وقتی که صحبت از حاکمیت ملی به میان می‌آید، به این معنی است که کشور حق تصمیم‌گیری درباره سرنوشت خود را به دور از نفوذ و سلطه خارجی داشته باشد. در خصوص تمامیت ارضی هم باید گفت که اگر دولت یا حکومتی در قلمرو جغرافیایی خاص، توانمندی حضور را بدون نفوذ خارجی‌ها داشته باشد، در حقیقت می‌توان گفت که تمامیت ارضی کشور تأمین شده است. این موضوع، پس از جنگ، از سوی بسیاری با دیده خوش‌بینی نگریسته می‌شد؛ زیرا به نظر می‌رسید با پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تهدیدی جدی علیه تمامیت ارضی ایران وجود نداشته باشد. حوادث و رخداد‌های منطقه‌ای بعد از آن، این موضوع را مورد تردید قرار داد. حمله عراق به کویت و ترس از توسعه‌طلبی صدام و در پی آن، حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس، قذافی طالبان در افغانستان تهدیدی برای تمامیت ارضی ایران به شمار می‌رفت. از سوی دیگر، فروپاشی اتحاد شوروی در این دوره، سبب شد که امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران مورد تهدید قرار گیرد و با توجه به این بی‌ثباتی‌ها در اطراف ایران، حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ایران، از اهداف مهم سیاست خارجی ایران محسوب شد. (آقای و رسولی، ۱۳۸۸: ۷)

۴. تنش‌زدایی و عادی‌سازی روابط جمهوری اسلامی ایران

اولویت‌های سیاست خارجی عبارتند از: تنش‌زدایی در دوران هاشمی، گسترش روابط با تمامی کشورهای جهان براساس احترام متقابل، منافع مشترک و نفی هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و تأکید بر نهادهای شمولی، تقویت انسجام و وحدت کشورهای اسلامی و غیرمتعهد. این سطح منطقه‌ای و بین‌المللی و سیاست انسجام و وحدت کشورهای اسلامی و غیرمتعهد. این سیاست از طریق گفت و گو و مفاهمه به وجود می‌آید و دیدگاهی واقع‌گراست. این سیاست، در جهان پر از تعارض پس از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، هم می‌توانست پاسخ‌گوی ارزش‌ها باشد و هم اینکه منافع ملی را در سطوح مختلف فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی تأمین کند.

در این مقطع، سیاست تنش‌زدایی بر اصول زیر استوار بود:

- پرهیز از درگیری ایدئولوژیک و اشتراک منافع نظامی، سیاسی و اقتصادی با دیگر کشورها؛
- پذیرش کثرت‌گرایی سیاسی و اقتصادی؛
- اعلان آمادگی طرفین به اجرای اصول جدید در روابط بین‌الملل و همکاری متقابل برای تحکیم روابط طولانی‌مدت؛
- مشارکت فعال در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- نهادهای مجاری گفت و گو میان ایران و کشورهای منطقه و کمک به مدیریت بحران؛
- به رسمیت شناخته شدن منافع و نقش ملی جمهوری اسلامی ایران در موضوع‌ها و امور جهانی و منطقه‌ای در کنار دیگر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- ارتقای جایگاه ایران در منطقه و نظام بین‌الملل، در راستای تأمین نیازهای اقتصادی و همچنین، تداوم امنیت اقتصادی. (باقری، ۱۳۸۶: ۱۲۳).

در نتیجه، می‌توان گفت از آنجا که کلید سیاست تنش‌زدایی در روابط اقتصادی نهفته است، مهم‌ترین عامل اتخاذ این سیاست، ضرورت‌های ناشی از توسعه اقتصادی و در رأس آن، جذب سرمایه و فناوری خارجی بود. (روزنامه اطلاعات، ۱ اردیبهشت ۱۳۷۷) از این رو، عادی‌سازی و توسعه روابط با اروپا، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و تشددایی با امریکا در دستور کار سیاست خارجی قرار گرفت که در زیر به نمودهای این تنش‌زدایی اشاره می‌شود.

۴-۱. روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس

منطقه خلیج فارس و دریای عمان به دلیل داشتن موقعیت سیاسی ژئوپلیتیک،

ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک، از چند قرن گذشته در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی در معرض توجه بوده است. به طوری که در این منطقه، کشف ذخایر ارزشمند نفت و گاز و وابستگی شدید کشورهای غربی و صنعتی به آنها، اهمیت سیاسی و اقتصادی منطقه را بیش از پیش کرده است. با توجه به این ویژگی‌ها، کشورهای منطقه ناگزیر هستند برای حفظ منافع مشترکشان در مقابل قدرت‌های بزرگ خارجی به توسعه روابط نزدیک با یکدیگر همت گمارند. از شیوه‌های حصول به این هدف، ایجاد یا تقویت پیمان‌های منطقه‌ای و لزوم پابندی به آن در دوره‌های بعد و اتخاذ سیاست گفت و گو محوری و تنش‌زدایی است. پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت به وسیله جمهوری اسلامی ایران، در تیر ۱۳۶۷ و پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و در پی آن، تغییر برجسته در جهت‌گیری سیاست خارجی در طول سال‌های پس از آن، رویارویی در مناسبات ایران و اعراب کاهش یافت. تهاجم عراق به کویت و پیرو آن محکومیت این اقدام تجاوزکارانه از سوی جمهوری اسلامی ایران و اتخاذ سیاست بی‌طرفی در جنگ، برای کشورهای خلیج فارس و در رأس آنها عربستان، ثابت کرد که خطر واقعی عراق است، نه ایران. (احتشامی، ۱۳۷۸: ۱۷۱)

بنابراین، در نتیجه این تحولات و با کاهش تنش‌هایی که یک دهه بر مناسبات ایران با دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس حاکم شده بود، جمهوری اسلامی موفق به بهبود روابط با دولت‌های عضو شورا شد.

۴-۲. روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپایی

روابط ایران و اتحادیه اروپا به مجموعه روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان ایران و اتحادیه اروپایی، از زمان تأسیس این اتحادیه گفته می‌شود. این روابط، همواره تحت تأثیر تحولات سیاسی و اجتماعی ایران یا دیگر کشورهای خاورمیانه است. این روابط پس از انقلاب اسلامی، دچار فراز و نشیب‌های متعددی شده است. با حمله عراق به ایران و وقوع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، کشورهای اروپایی به حمایت از عراق پرداختند و به این کشورها کمک‌های تسلیحاتی کردند. همچنین، آن‌ها تحریم تسلیحاتی را علیه ایران آغاز کردند. در سال ۱۳۶۰، یونان و در سال ۱۳۶۴، اسپانیا و پرتغال به این اتحادیه پیوستند و همانند دیگر متحدان امریکا تحریم شدیدی علیه حکومت ایران وضع کرده و در این جنگ، از عراق حمایت کردند.

اهانت سلمان رشدی به ساحت پیامبر اکرم و صدور فتوای امام خمینی (ره) در ۱۴ فوریه ۱۹۸۹، مبنی بر قتل سلمان رشدی، موجب واکنش تند اتحادیه اروپایی در مقابل ایران شد که نمود

آن، فراخواندن سفیران کشورهای اروپایی از تهران بود.

۳-۴. روابط جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا

بسیاری نقطه آغاز روابط ایران و آمریکا را از اواسط قرن نوزدهم میلادی می‌دانند. این روابط، از سال ۱۹۴۴ تا انقلاب ایران، در بهمن ۱۳۵۷، برقرار بود. پس از پیروزی انقلاب ایران، دو کشور در چند مورد محدود، روابط سیاسی و نظامی محرمانه‌ای با یکدیگر برقرار کرده بودند. با این حال، پایان جنگ و وضعیت نوین پس از آن، موجب شد ایران و آمریکا در صدد کاهش تنش‌جات برآیند و از برخورد مستقیم مجدد جلوگیری کنند. در ابتدای این دوره، سیاست بازسازی اقتصادی ایران، از طرف ایالات متحده، مورد استقبال قرار گرفت و کاهش تحریم‌های بازرگانی از سوی آمریکا را در پی داشت. همچنین، حدود ۶۰۰ میلیون دلار از دارایی‌های ایران رفع توقیف شد. در این دوره، یکی از اهداف مهم نزدیکی آمریکا به ایران، آزادسازی گروگان‌های آمریکا در لبنان بود. در روابط دو کشور، از دیگر عوامل مهم چالش‌برانگیز، ضدیت ایران با اسرائیل بود. ایران توانسته بود در میان گروه‌ها و جبهه‌های عرب، مخالف روند صلح اعراب و اسرائیل هماهنگی ایجاد کند و این موضوع مطلوب آمریکا به عنوان نزدیک‌ترین متحد اسرائیل نبود. (یعقوبی، ۱۳۸۷: ۲۳۰)

با روی کار آمدن کلیتون، روابط خصمانه آمریکا علیه ایران نه تنها تغییری نکرد بلکه ابعاد جدی‌تری به خود گرفت. دولت کلیتون سیاست جدی را به نام «مهار دو جانبه» علیه ایران و عراق پیشنهاد داد. دولت کلیتون بر این باور بود که ایران، در جهان از مهم‌ترین حامین تروریسم است. همچنین، در پی تسلیحات کشتار جمعی است؛ بنابراین، در عرصه روابط بین‌الملل، باید به عنوان کشور غیرقانونی معرفی شود. هدف اتخاذ سیاست «مهار دوجانبه» در رابطه با ایران تغییر سیاست‌های ایران در بعضی از حوزه‌ها، مانند تروریسم، تغییر سیاست در رابطه با روند صلح خاورمیانه، نقض حقوق بشر و همچنین، تسلیحات کشتار جمعی بود. (احتشامی، ۱۳۷۸: ۴۸)

آمریکا که می‌دید، در عمل، سیاست «مهار دوگانه» سودی برای این کشور نداشته است، سیاست تحریم همه‌جانبه را در اسفند ۱۳۷۳، علیه ایران وضع کرد. کلیتون در ادامه دستور قبلی خود، در اردیبهشت ۱۳۷۴، فرمان ممنوعیت صادرات کالا، تکنولوژی و خدمات به ایران را صادر کرد، ولی این تحریم‌ها نیز کارساز نشد و برخی شرکت‌های نفتی از «توتال» فرانسه و «پتروناس» مالزی در ایران سرمایه‌گذاری کردند. در نتیجه این موضوع، آمریکا قانونی به نام قانون «داماتو» را در کنگره تصویب کرد.

بر این اساس، به رغم سیاست آشتی‌جویانه ایران در دوران هاشمی، روابط ایران و آمریکا بهبود در خور ملاحظه‌های نیافت. ایران تنها موفق شد از رویارویی و درگیری با آمریکا بپرهیزد. سیاست تنش‌زدایی عمل‌گرایانه ایران که مبتنی بر تفکیک موضوع‌های سیاست‌حادث از ملایم بود. در زمینه روابط ایران و آمریکا توفیق چندانی کسب نکرد. به گونه‌ای که هاشمی‌رفسنجانی در آخرین ماه‌های ریاست جمهوری خود ارزیابی کرد: «پیش‌بنی نمی‌کنم تحولی [در روابط] پیش بیاید. وضع میان ما و آمریکا از سال‌ها پیش تغییر نکرده است و چشم‌انداز روابط هم تغییری نشان نمی‌دهد» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۴۲۳).

۴-۴. عضویت و مشارکت فعال ایران در سازمان‌های بین‌المللی براساس اتخاذ استراتژی

چند جانبه‌گرایی

تحولات ساختاری نظام بین‌المللی، سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی را واداشت که به سوی «استراتژی چندجانبه‌گرایی» سوق یابد. این تحولات همراه با پایان جنگ سرد، فروپاشی کامل شوروی، تغییر ژئوپلیتیک اروپا و آیا، اعلام نظم نوین جهانی و یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و شکل‌گیری نظام بین‌الملل در حال گذر بود. در سیاست خارجی، چندجانبه‌گرایی ایران افزون بر گسترش روابط در سطوح کشورهای همسایه، منطقه‌ای و بین‌المللی، به توسعه و تعمیق روابط در زمینه هم‌گرایی منطقه‌ای توجه می‌شد که در آن قدرت‌های بزرگ‌نقش برجسته‌ای داشتند. در پرتو این اصل، شاهد حضور فعال‌تر ایران در سازمان‌های بین‌المللی همچون سازمان ملل، سازمان کنفرانس اسلامی و جنبش عدم تعهد هستیم. درواقع، در دوره بعد از جنگ تحمیلی، جمهوری اسلامی ایران دست به نوعی تجدیدنظرطلبی در روابط خو با سازمان‌های بین‌المللی زد و احساس کرد که سازمان‌های بین‌المللی نهادهای پیچیده‌ای هستند که مانند هر نهاد دیگری، قابلیت متفاوتی، چه مثبت و چه منفی دارند؛ بنابراین، نمی‌توان درباره آن‌ها حکم کلی صادر کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۲۹).

همان‌گونه که در بحث نظری، یعنی رویکرد سازه‌انگاری توضیح داده شد؛ افزون بر هنجارهای داخلی، هنجارهای خارجی نیز نقش مهمی در شکل‌گیری هویت دولت‌ها ایفا می‌کنند. بر این اساس، در رابطه با جمهوری اسلامی ایران در این دوران، می‌توان گفت که جمهوری اسلامی ایران با پذیرش هنجارهای بین‌المللی، مانند پذیرش سازمان‌های بین‌المللی و قواعد و مقررات صادره از سوی آنها، استراتژی چندجانبه‌گرایی را در سیاست خارجی خویش، در پیش گرفت و

در پی آن در روابط خود با سازمان‌های بین‌المللی برخلاف دوران قبلی تجدیدنظر کرد. همچنین، بدبینی خود را به آنها کنار گذاشت و به این نتیجه رسید که آنها هم مانند هر سازمان دیگری، ضعف‌ها و قدرت‌هایی دارند.

۴-۵. روابط جمهوری اسلامی ایران و سازمان ملل متحد

پذیرش قطعنامه ۵۹۸، سرآغاز روابط ایران با سازمان ملل متحد بود. جمهوری اسلامی از ماهیت و عملکرد سازمان ملل انتقاد داشت؛ اما با وجود این، در قبال آن الگوی تعامل فعال را در پیش گرفت. ایران در دوران سازندگی، در مقایسه با دوران پیش از آن که سازمان ملل متحد و ارکان آن را ابزار نظام سلطه می‌دانست، همکاری خود را با آن سازمان به مراتب بهبود و افزایش داد. دولت سازندگی با توجه به نقش و جایگاه سازمان ملل، همکاری خود را با ارکان مهم این سازمان از قبیل مجمع عمومی، شورای امنیت و دیگر نهادهای وابسته به آن، توسعه بخشید. البته، باید گفت یکی از اهداف حضور فعال جمهوری اسلامی در سازمان ملل، تبیین سیاست‌ها و مواضع خود بود. جمهوری اسلامی تلاش می‌کرد در این مسائل، میان اصول‌گرایی اسلامی (مصلحت انقلاب) و منافع ملی ایران توازن ایجاد کند. (مواضع جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی، ۱۳۷۲: ۱۷۳) در این راستا، درخصوص فلسطین، از قیام مردم فلسطین حمایت کرد و همچنان، اسرائیل را نامشروع و غاصب قلمداد می‌کرد. (مجموعه سخنرانی‌های وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین‌الملل، ۱۳۷۳: ۴۷۳) همچنین ایران سیاست‌های مثبتی درباره بوسنی و هرزگوین در پیش گرفت. ایران خواستار توقف جنایت‌ها و نسل‌کشی صرب‌ها در بوسنی و همچنین، لغو تحریم تسلیحاتی علیه بوسنی و هرزگوین شد. (روزنامه اطلاعات، ۲۲ بهمن ۱۳۷۲)

۴-۶. روابط جمهوری اسلامی ایران با جنبش عدم تعهد

در دوران هاشمی، رویکرد ایران درباره جنبش عدم تعهد در مقایسه با دوران قبل از آن، در جهت مثبت تغییر کرد. در دوران سازندگی، جمهوری اسلامی ضمن مشارکت فعال در اجلاس وزرا و سران جنبش، عدم تعهد، خواستار تجدیدنظر در ساختار این جنبش شد. ایران در صدد بود که افزون بر همکاری‌های سیاسی میان اعضا، در عرصه اقتصاد نیز در چهارچوب همکاری‌های جنوب-جنوب مشارکت ورزد. بدین ترتیب، در دوران سازندگی، سیاست خارجی عمل‌گرا خواهان حاکمیت نگرشی-اقتصادی بر جنبش عدم تعهد بود. ایران در راستای تغییر نگرش‌های صرفاً سیاسی در جنبش عدم تعهد تلاش می‌کرد. همچنین، در دوران سازندگی مشارکت فعالانه

ایران پس از انحلال بلوک شرق، در راستی مقابله با تسلط بلوک غرب بر سیاست جهانی بود. (یعقوبی، ۱۳۸۷: ۲۴۴)

۵. اصول و اهداف سیاست خارجی در دوره اصلاحات

سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دوران اصلاحات در عین تداوم، از اصول، اهداف و ابعاد خاصی برخوردار بود حکه آن را از دوره‌های قبل از خود متمایز می‌ساخت. نخبگان سیاسی و فکری حامی این دولت، ایستادگی و مقاومت در برابر قدرت‌های جهانی را کوبیدن مشیت بر آهن می‌دانستند؛ بنابراین، تلاش کردند از دادن شعرهای ساختارشکنانه در نظام بین‌الملل جلوگیری کنند و با اتخاذ سمت‌گیری تنش‌زدایی و گفتگو، باب جدیدی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بگشایند. با این حال، در این دوره نیز پیگیری اهداف ملی بر اهداف فراملی اولویت یافتند. از میان اهداف ملی نیز کسب و افزایش اعتبار و شهرت بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران به عنوان دولتی معقول، متعارف و مسئول، اهمیت و اولویت بیشتری یافت. ایران تلاش کرد با خنثی‌سازی سیاست‌های ضد ایرانی از طریق تصویرسازی مبت و واقعی از خود به کسب پرستیژ در سطح نظام بین‌الملل بپردازد. می‌توان گفت، سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دوران اصلاحات اصول زیر را در پیشگرفت: (۱) تأکید بر گفت و گو و مفاهمه میان فرهنگ‌ها برای حل و فصل مسائل و مشکلات مطرح در سیاست خارجی؛ (۲) تنش‌زدایی و کوشش برای اعتماد سازی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی؛ (۳) تلاش برای خنثی‌سازی سیاست‌های ضد ایرانی از طریق شرکت فعالانه در کنفرانس‌ها و مجامع بین‌المللی برای کسب پرستیژ در سطح نظام بین‌الملل؛ (۴) کوشش برای شناساندن تمدن اسلامی به عنوان تمدن خواهان صلح، عدالت و گفت و گو در روابط بین‌الملل.

۵-۱. توسعه‌گرایی سیاسی - فرهنگی

دولت اصلاحات که در پی تحولات سیاسی-اجتماعی، پس از پایان جنگ و دوران سازندگی ایجاد شده بود، برآمده از خواسته‌هایی بود که بیش از هر چیز مبتنی بر خواسته‌های غیرآرمان‌گرایانه بود؛ از این رو، رویکرد دولت در همان ابتدا رویکردی توسعه‌محور در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی بود. دولت اصلاحات با تکیه بر توسعه سیاسی در داخل و به کارگیری مفاهیمی چون تنش‌زدایی و گفت و گوی تمدن‌ها در خارج، چهره سیاسی جدیدی از ایران را نزد افکار

عمومی جهان ارائه کرد و تلاش کرد تا در این مسیر، گام بردارد. البته گفتن این نکته ضروری است که پدیده توسعه، پدیده‌ای چندبعدی است که نتایج اقتصادی آن جلوه بیشتری دارد؛ اما ابعاد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن نیز اهمیت کمتری در مقایسه با بعد اقتصادی توسعه ندارد. توسعه اقتصادی در هر مرحله محتاج عوامل همراهی است که متأثر از ابعاد فرهنگی- سیاسی و اقتصادی توسعه هستند. (امیری، ۱۳۸۵: ۱۸۷) پس از هشت سال، تأکید و تمرکز بر توسعه اقتصادی صرف در دوران سازندگی و در این دوره توسعه سیاسی- فرهنگی در کانون سیاست و حکومت جمهوری اسلامی قرار گرفت. رئیس‌جمهور جدید که خود شخصیت و علایق فرهنگی داشت، در پاسخ به مطالبات سیاسی جامعه، توسعه سیاسی- فرهنگی را در صدر اولویت‌های دولت خود قرار داد. محوریت اطلاعات سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی، آزادی و جامعه مدنی در سیاست داخلی موجب اتخاذ سیاست خارجی توسعه‌گری سیاسی- فرهنگی شد. یکی از اهداف اصلی جنبش اصلحات در زمینه توسعه سیاسی- فرهنگی تقویت کار ویژه‌های اصلی دولت بود. در این راستا، کوشش‌هایی برای ایجاد نوعی وفاق اجتماعی جدید بر پایه هویت اسلامی- ایرانی و بازشناسی مطالبات و گرایش‌های اکثریت مردم به جای تکیه بر تعهدات ایدئولوژیک صورت گرفت. در نتیجه این روند و در راستای توسعه، امنیت و اعتبار ملی جمهوری اسلامی، گفت و گوی تمدن‌ها به عنوان نظریه و مفهوم کانونی در سیاست خارجی توسعه‌گرای سیاسی- فرهنگی پردازش و ارائه شد. (امیری، ۱۳۸۵: ۱۸۸)

سیدمحمد خاتمی در سخنرانی رسمی خود، در خلال پنجاه و سومین مجمع عمومی سازمان ملل متحد در روز پایانی شهریور ۱۳۷۷، برابر با سپتامبر ۱۹۹۸، طرح «گفت و گوی تمدن‌ها» را در پاسخ به نظریه برخورد تمدن‌ها، در سطح جهانی مطرح کرد. او همان‌جا اشاره کرد: «به نام جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد می‌کنم که به عنوان گام نخست، سال ۲۰۰۱ از سوی سازمان ملل «سال گفت و گوی تمدن‌ها نامیده شود. با این امید که با این گفت و گو نخستین گام‌های ضروری برای تحقق عدالت و آزادی جهان برداشته شود. (اسدی، ۱۳۸۷: ۱۷۱)

از منظر سیدمحمد خاتمی، منشأ نزاع و تعارضات در عرصه بین‌الملل و سطح جهانی، «افزون بر عوامل روحی و روانی، عوامل سیاسی و اقتصادی است. فاصله وحشتناک فقر و غنی میان جوامعی است که اگر تعدیل نیابد، نمی‌تواند ساده‌لوحانه و خوش‌باورانه خواهان صلح، گفتگو و و مفاهمه باشد». به نظر می‌رسد او با مطرح کردن مقوله گفت و گوی تمدن‌ها در پی جهانی بود که

در آن صلح، زمینه‌ساز گفت و گو باشد و گفت و گو نیز استمرار صلح را فراهم آورد. عدالت و صلح به بنیان‌های رفتار بین‌المللی تبدیل شوند و مردم‌سالاری در عرصه بین‌المللی تحقق یابد. انسان‌ها و حقوق آنها (رهایی، آزادی و مصونیت و غیره) مورد احترام باشد، جامعه مدنی مبنی بر حقوق بشر در همه کشورها و در کل جهان شکل‌گیرد. حاکمیت انسان بر سرنوشت خود شناخته شود. (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۷۶)

ایران کشوری انقلابی و اسلامی بود که غرب او را به مثابه خطری بزرگ «واپس‌گری» معرفی کرد. اینک، نه تنها از اصول پایه خود عقب‌نشینی اساسی نکرده است، بلکه برعکس حرفی هم برای گفتن دارد. (اسدی، ۱۳۷۹: ۱۱۰) این طرح، در نقطه مقابل غرب‌ستیزی و امریکاستیزی قرار دارد.

گفت و گوی تمدن‌ها بیانیه‌ای سیاسی است که تمام جوامع و تمدن‌ها را از خشونت و دشمنی به تحمل و همبستگی فرامی‌خواند؛ یعنی ضمن پذیرش تنوع میان تمدن‌ها، پذیرش الگوی رفتار مصالحه‌جویانه را به جای الگوی تعارض و مناقشه در سیاست و روابط خارجی می‌پذیرد. طرح‌ضرورت گفت و گوی تمدن‌ها به این معنی است که دیگرانی نیز وجود دارند که با برخورداری از حق و حقوقی مستقل، می‌توانند دست‌کم برخی نیازهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه را تأمین کند و سبب‌ساز ایجاد وضعیت و روابط مسالمت‌آمیز دوجانبه یا چندجانبه پایدار شوند. (ازغندی، ۱۳۷۸: ۱۴۵) طرح گفت و گوی تمدن‌ها به معنای برابری هر تمدن در عرصه گفت‌وگو است. هیچ‌گونه برتری و منزلت ویژه‌ای برای الگوی خاصی از تمدن یا نظام سیاسی وجود ندارد هر واحدی درصدد است تا ضمن حفظ مؤلفه‌های درون‌ساختاری خود، به تعامل با دیگر واحدها مبادرت ورزد. (اسدی، ۱۳۷۸: ۱۷۴)

گفت و گوی تمدن‌ها از دیدگاه راهبری-اجرایی می‌توانست برای روند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مزایای درخور توجهی داشته باشد. این طرح که سیاست تنش‌زدایی از لوازم آن است، می‌توانست به برون‌رفت ایران از انزوای نسبی سیاسی منطقه‌ای بینجامد. به عبارت روشن‌تر، از جو تنش و مقابله میان ایران و کشورهای منطقه خاورمیانه کاسته و فضای فت و گو و همکاری را جایگزین آن کند. این طرح، به طور بالقوه توانایی استفاده ایران از محافل و تریبون‌های رسمی و غیررسمی جهانی را برای کاهش فشارها و موضوع‌های سیاست خارجی ایران دارا بود. در مجموع، می‌توان گفت طرح گفت و گوی تمدن‌ها از سوی جمهوری اسلامی اقدامی فرهنگی و مثبت در راه نزدیکی هرچه بیشتر کشورها و ملت‌ها به یکدیگر و گام برداشتن به منظور صلح و

دوستی و ثبات امنیت بیشتر جهانی بود. افزون بر اینکه، موقعیت ایران را در سطح جهانی تغییر داد و نگرش کاملاً مثبتی را متوجه جمهوری اسلامی کرد.

براساس تحلیل سازه‌انگارانه در ارتباط با طرح گفت و گوی تمدن‌ها، یکی از اصول دولت اصلاحات می‌توان گفت که از آنجا که جمهوری اسلامی ایران نظامی اسلامی است؛ نتیجه، ارزش‌های اسلامی نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری هویت جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کنند. براساس ارزش‌های اسلامی، عدالت‌جویی، صلح‌طلبی، برابری و آزادی انسان‌ها مورد تأکید است. درخصوص برابری در سوره حجرات، آیه ۱۳ آمده است که «ای مردم، ما شما را از مرد و زن آفریدیمو شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست». در زمینه آزادی، حضرت علی(ع) در نهج‌البلاغه، در توصیه خود به مالک‌اشتر درباره رعایت حقوق و آزادی‌ای مردم اعماز مسلمانان و کافران می‌فرمایند: «با افراد تحت حکومت خود، همچون حیوان درنده مباش که خوردن آنها را غنیمت شماری».

در بعد خارجی می‌توان به تأثیر هنجارهای بین‌المللی و پذیرش آنها از سوی جمهوری اسلامی ایران (مانند پذیرش قواعد و مقررات بین‌المللی، توجه به حقوق بشر، حق تعیین سرنوشت ملت‌ها، دوری از منازعه، برابری فرهنگ‌ها و غیره) در شکل‌گیری هویت جمهوری اسلامی در این مقطع اشاره کرد که در نتیجه، خاتمی، طرح گفت‌وگوهای تمدن‌ها را به عنوان یکی از اصول اساسی در سیاست خارجی پیگیری کرد. در این رابطه می‌توان گفت که دولت اصلاحات با طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها، ضمن پذیرش هنجارهای بین‌المللی خود نیز در فرایند هنجارسازی سهیم شد. این موضوع را می‌توان از لحاظ رابطه متقابل ساختار- کارگزار مورد بررسی قرار داد که در رویکرد سازه‌انگاری مؤلفه مهمی است. بدین صورت که جمهوری اسلامی ایران به عنوان کنشگر به رویه گفت‌وگوی تمدنی شکل می‌دهد و با عمل خود سبب تحول در ساختارهای هنجاری و فکری می‌شود و پس از آن، این ساختارهای معنایی جدید هستند که هویت کنشگر (جمهوری اسلامی ایران) را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین، می‌توان گفت که شناخت بین‌الذهانی نظام بین‌الملل از جمهوری اسلامی ایران در جریان طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها سبب شد که جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین‌المللی و در نظر کشورها، الگویی صلح‌طلب در نظر گرفته شود که نه تنها مخالف هنجارها و قواعد بین‌المللی نیست، بلکه خود در فرآیند هنجارسازی نیز سهیم است.

۵-۲. تنش‌زدایی

تنش‌زدایی در چهارچوب عزت، حکمت و مصلحت، به این معناست که ایران در سیاست خارجی خود در صدد رفع سوءتفاهم‌های انباشته شده از گذشته و در تلاش برای تأمین امنیت خود به واقعیت‌های بین‌المللی است. همچنین ایران، برای تأمین امنیت خود به واقعیت‌های بین‌المللی توجه دارد. تنش‌زدایی و اعتمادسازی و گفت‌وگوی تمدن‌ها از سیاست‌هایی است که جمهوری اسلامی ایران در این دوره در هر دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی در پیش گرفت. از میان مهم‌ترین اقداماتی که جمهوری اسلامی ایران در راستای سیاست تنش‌زدایی و گفت‌وگوی تمدن‌ها به عمل آورده است، می‌توانیم به این موارد اشاره کنیم: اعتمادسازی میان ایران و کشورهای خلیج فارس؛ تلاش برای تحقق صلح در افغانستان از طریق تشویق طرف‌های درگیر به گفت‌وگو؛ کمک به تحقق صلح در تاجیکستان؛ تشویق ترکیه و سوریه به گفت‌وگو؛ تشکیل گروه تماس کشورهای اسلامی برای کمک به ایجاد صلح در کوزوو و چین؛ پیشنهاد سال ۲۰۰۱ به عنوان سال گفت‌وگوی تمدن‌ها و تهیه قطعنامه‌ای در سازمان کنفرانس اسلامی در همین ارتباط و برگزاری کنفرانس‌ها و سمینارهای مختلف در زمینه گفت‌وگوی تمدن‌ها از جمله کنفرانس چهار جانبه «میراث تمدن‌های کهن» شامل ایران، مصر، یونان و روم. این سیاست‌ها، البته دستاوردهای مثبت فراوانی نیز به همراه داشت که بهبود روابط میان ایران و اتحادیه اروپا، کاهش تنش‌های میان ایران و آمریکا، بهبود در خور توجه در روابط ایران و کشورهای عربی، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات میان ترکیه و سوریه و تحقق صلح در تاجیکستان و تشکیل سازمان بین‌المجالس کشورهای اسلامی، از مهمترین نمونه‌های آنها بود. (ازغندی، ۱۳۷۸: ۱۶۲)

در راستای سیاست تنش‌زدایی و ارتباط آن با بحث سازه‌انگاری، می‌توان گفت با پایان جنگ سرد، جهانی شدن اقتصاد، انقلاب ارتباطات و اطلاعات، قدرت یافتن نهادهای بین‌المللی و ضرورت حل و فصل اختلافات ناشی از تداخل منافع، طرح مفاهیم و جایگزین‌هایی همانند گفت‌وگوی تمدن‌ها، گرایش شدید به سمت تساهل و تعامل، نهادینه شدن تدریجی معیارهای دموکراتیک، تجمع پیرامون واژه‌هایی چون آزادی، حقوق شهروندی و عدالت افق‌های تازه‌ای را برای جمهوری اسلامی ایجاد کرد و شرایطی به وجود آورد که هنجارها و کنش‌های متفاوتی را در مقایسه با گذشته می‌طلبد. در نتیجه، این وضعیت هنجارهای بین‌المللی مانند احترام متقابل میان کشورها، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، تأکید بر نهادینه شدن حقوق بین‌الملل مورد توجه و

پذیرش جمهوری اسلامی ایران قرار گرفتند. افزون بر آن، در سطح داخلی هنجارهای اسلمی مانند وحدت و انسجام کشورهای اسلامی، آزادی، عدالت‌خواهی، همزیستی، برابری و آزادی انسان‌ها مورد توجه قرار گرفت. همچنین، براساس اوضاع جدید، ارزش‌های سنتی فرهنگ ایرانی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. بدین صورت که ایران با موقعیت تاریخی و ژئوپلیتیکی بسیار حساسی که دارد و با سابقه چند هزارساله تمدنی، باید به عنوان بازیگر منطقه‌ای و جهانی، جایگاه راستین خود را به دست آورد. این موضوع، در کنار این عوامل زمینه‌ساز اتخاذ سیاست تنش‌زدایی شد. هرچند این سیاست، از زمان رفسنجانی آغاز شده بود؛ ولی در این دوره نمود بیشتری یافت و خود را در قالب گفت‌وگوی تمدن‌ها نشان داد. در نتیجه این موضوع، چهار کنش عمده به وسیله جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت: (۱) ترویج و توسعه گفت‌وگوی تمدن‌ها در سازمان‌های بین‌المللی؛ (۲) برقراری روابط نزدیک با کشورهای هم‌جوار، از جمله شورای همکاری خلیج فارس؛ (۳) ابراز علاقه دستگاه حکومتی به وسیله رئیس‌جمهور به نمایندگی از سوی مردم و جامعه ایران به گسترش مناسبات با آمریکا در زمینه‌های فرهنگی و سیاسی؛ (۴) توسعه روابط با اتحادیه اروپا و سوق دادن روندهای گفت‌وگوی انتقادی با اتحادیه اروپا به روندهای گفت‌وگوی سازنده.

۶. روابط جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اروپا

به طور کلی، تا زمان انتخاب سیدمحمد خاتمی به عنوان رئیس‌جمهور ایران، روابط میان ایران و اتحادیه اروپا چندان مطلوب نبود. برخی وقایع از جمله حادثه میکونوس و در پی آن، محاکماتی که در آلمان برگزار شد، بحرانی را در روابط ایران و اروپا به وجود آورد که به فراخوانده شدن سفیران طرفین به کشورهای متبوع خود منجر شد. این فضای منفی عملاً دوران گفت‌وگوهای انتقادی را خاتمه داد، ولی برخی وقایع بعدی خصوصاً انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۱۳۷۶ این برداشت را در اروپا به وجود آورد که سیاست و طرز فکر جدیدی بر ایران حاکم شده است. به تدریج اروپاییان از این وضعیت استقبال کردند و با بازگشت سفیران به تهران دوره جدیدی از گفت‌وگوها با عنوان گفت‌وگوهای فراگیر و سازنده آغاز شد. در این راستا و به عنوان نخستین گام لامبر تودینی، وزیر امور خارجه ایتالیا، در مارس ۱۹۹۸، برابر با اسفند ۱۳۷۶، از تهران بازدید و با خاتمی رئیس‌جمهور ملاقات کرد.

رابین کوک، وزیر امور خارجه انگلیس، از رنجش مسلمانان ایران از کتاب آیات شیطانی ابراز

تأسف کرد. وی همچنین، اعلام کرد که «دولت جمهوری اسلامی ایران هیچ فردی را برای تهدید جان سلمان رشدی اعزام نخواهد کرد». وی خاطرنشان کرد، بدین ترتیب یکی از موانع عمده بر سر راه بهبود روابط میان ایران و بریتانیا و اتحادیه اروپا برداشته شد.

افزون بر کسب اعتبار بین‌المللی، مهم‌ترین هدف، تنش‌زدایی و توسعه روابط با اروپا تأمین نیازهای اقتصادی، فناوری و سرمایه خارجی به ویژه در بخش نفت و گاز بود. فراتر از این، جمهوری اسلامی از طریق توسعه و گسترش روابط با اروپا در پی به کارگیری وزن اروپا در برابر امریکا در چهارچوب دیپلماسی حذفی بود. در طول چهار سال اول ریاست جمهوری آقای خاتمی، روابط سیاسی-اقتصادی اروپا و ایران به طور چشمگیری توسعه و گسترش یافت. حتی پس از انتخاب مجدد وی نیز گفت‌وگوهای سازنده و فراگیر همچنان ادامه داشت. گفت‌وگوهای ایران و اروپا در خصوص موافقت‌نامه همکاری و تجارت بعد از حمله امریکا به افغانستان و قرار گرفتن نام ایران در محور شرارت نیز ادامه یافت؛ زیرا اتحادیه اروپا با سیاست‌های یک‌جانبه و نظم‌گری امریکا مخالف بود. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۴۶)

در مجموع، می‌توان گفت از سال ۲۰۰۲-۱۹۹۸، ده دوره از گفت‌وگوهای سازنده و فراگیر میان ایران و اروپا صورت پذیرفت. در این مذاکرات، همه موضوع‌های مورد علاقه طرفین در زمینه‌هایی مانند انرژی، تجارت، سرمایه‌گذاری، مواد مخدر، پناهندگان، حمل و نقل، محیط‌زیست، کشاورزی، حقوق بشر، تروریسم، صلح خاورمیانه و دیگر موضوع‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به بحث گذاشته شد.

گروهی از کشورها مانند: آلمان، انگلستان، دانمارک، هلند و لوکزامبورگ خواستار تنظیم سندی جامع بودند که همه موضوع‌ها را در برگیرد و در آن همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی با ایران وابسته به همکاری ایران در زمینه موضوع‌های سیاسی-حقوقی، منند مبارزه با تروریسم و بهبود وضع حقوق بشر در این کشور شود؛ گروهی دیگر، مانند: یونان، ایتالیا، فرانسه و اسپانیا برخلاف گروه نخست، تنها خواستار تنظیم سندی تجاری و اقتصادی بودند. این کشورها معتقد بودند که با آغاز کار گروهی به نام اصلاح‌طلبان که معتقد به گسترش آزادی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در ایران هستند، می‌توان با بستن این قرارداد و کمک به اقتصاد ایران، زمینه تقویت اصلاح‌طلبان و بهبود وضعیت حقوق بشر و دموکراسی را در ایران فراهم کرد. سرانجام، کشورهای عضو اتحادیه اروپا در اجلاس لوکزامبورگ در ۱۷ ژوئن ۲۰۰۲، توافق کردند که با اتخاذ رهیافتی از

تلفیق دیدگاه‌های دو گروه، همکاری با ایران در دو سند همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی و سند سیاسی به صورت جداگانه، تنظیم شود.

پس از ۱۱ سپتامبر، تحول عمده‌ای در روابط ایران و اتحادیه اروپا روی داد؛ زیرا در اتحادیه اروپا ادامه یافتن گفت‌وگو با ایران را مشروط به پیشرفت ایران در زمینه برخی موضوع‌ها می‌دانست. برای نمونه، ۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا در ژوئن ۲۰۰۳، با صدور بیانیه‌ای به ایران هشدار دادند که مذاکرات اتحادیه با ایران مشروط به پیشرفت این کشور در زمینه احترام به حقوق بشر، جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای، مبارزه با تروریسم و تغییر برخورد با روند صلح خاورمیانه است.

۷. روابط جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده آمریکا

همان‌طور که در قسمت پیش مطرح کردیم، در زمان سازندگی، امریکا، سیاست تحریم همه‌جانبه را در اسفند ۱۳۷۳، علیه ایران وضع کرد و در اردیبهشت ۱۳۷۴، کلیتون در ادامه دستور قبلی خود، فرمان ممنوعیت صادرات کالا، تکنولوژی و خدمات به ایران را صادر کرد. پس از انتخاب خاتمی به ریاست‌جمهوری جدید ایران، بیل کلیتون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا انتخاب خاتمی را نشانه امیدوارکننده در روند سیاست‌های ایران خواند. در عین حال، موضع قبلی خود را در قبال ایران تکرار کرد که «روابط میان ایران و امریکا عادی و برقرار نخواهد شد، مگر اینکه جمهوری اسلامی ایران تروریسم را محکوم و مردود شمارد، به ابراز مخالفت‌ها و کارشکنی‌های خود در قبال روند صلح خاورمیانه پایان دهد و تلاش‌هایش را برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای متوقف سازد». خاتمی و مادلین آلبرایت، وزیر امور خارجه وقت امریکا، در سال ۱۹۹۸، (۱۳۷۷ و ۱۳۷۶) سخنان امیدوار کننده گرمی درباره روابط با طرف مقابل ابراز داشتند. وزیر امور خارجه امریکا در سخنرانی خود به تمایل برای تغییر در سیاست امریکا در قبال ایران تأکید کرد.

خاتمی در مصاحبه‌هایش با CNN، در ژانویه ۱۹۹۸، برابر با دی ۱۳۷۶، بر مبادلات فرهنگی میان آمریکا و ایران به منظور از میان برداشتن دیوار بی‌اعتمادی میان دو کشور اشاره و تأکید کرد. وی ضرورت گفت‌وگوی حکومت با حکومت را رد کرد و با تکیه بر طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها، به منظور شناسایی و درک متقابل دو ملت از یکدیگر، بر مبادله فرهنگی میان ایران و امریکا و ایجاد زمینه بازدید دانشمندان، پژوهشگران، دانشجویان، ورزشکاران، هنرمندان و جهانگردان تأکید کرد.

درضمن، وی در این مصاحبه به تحسین ترکیب دین و آزادی در ایالات متحده پرداخت. در فروردین ۱۳۷۹ برابر با مارس ۲۰۰۰، مادلین آلبرایت، ضمن پیام تبریک سال نو به ایران، رسماً به نقش ایالات متحده در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرنگونی حکومت مصدق و حمایت از تجاوز عراق به ایران اشاره کرده و تأسف و ناراحتی خود را از این موضوع ابراز داشت. می‌توان گفت تا پایان ریاست‌جمهوری کلینتون، هیچ پیشرفت عملی در بهبود روابط ایران و آمریکا صورت نگرفت. تا اینکه در آغاز ریاست‌جمهوری جرج بوش پسر، در پای حادثه ۱۱ سپتامبر، روابط ایران و آمریکا وارد مرحله جدیدی شد. بدین صورت که مقامات اسرائیلی جنگ روانی سنگینی را علیه ایران و البته سوریه و لبنان شروع کردند و این کشورها را متهم کردند که مرکز تروریسم در جهان هستند و آمریکا باید پاسخ تروریست‌ها را بدهد. تحت تأثیر این موضوع، چند ماه بعد، جرج بوش در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۱، ایران را در کنار عراق و کره شمالی قرار داد و در زمره اعضای محور شرارت معرفی کرد. این موضوع، فرایند تنش‌زدایی در روابط ایران و آمریکا را دگرگون ساخت. (سلیمانی، ۱۳۸۸: ۱۹۵)

۸. روابط جمهوری اسلامی ایران با شورای همکاری خلیج فارس

در دوره نخست ریاست‌جمهوری رفسنجانی، روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس گسترش یافت. در اواخر دوره دوم، روابط به سردی گروید. در نتیجه، انتخابات ۲ خرداد ۱۳۷۶، سیاست خارجی ایران از اقدامات و شعرهای تحریک‌آمیز فاصله گرفت. با درک این وضعیت، راهبرد اصلی ایران، تنش‌زدایی در روابط با دیگر کشورها و اعتمادآفرینی با کشورهای عربی بود. بدین ترتیب، روابط میان ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس به سرعت گسترش یافت. درواقع، دوره‌ای از ماه عسل میان ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس آغاز شد که خلاف دو دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود. (حافظیان، ۱۳۸۸: ۱۰)

کمال خرزى وزیر خارجه جدید در تهران، در دیدار با سفیران و کارداران کشورهای خارجی با تأکید بر اصل تنش‌زدایی به عنوان یکی از محورهای اولیتهای سیاست خارجی ایران تصریح کرد: «سیاست دولت جمهوری اسلامی بر حسن هم‌جواری با همسایگان و ارتقای اعتماد فی‌مابین از طریق اقدامات اعتمادساز استوار است». کشورهای منطقه سیاست تنش‌زدایی دولت جدید ایران را به گرمی استقبال کردند و آن را برای روند نزدیکی دو کشور ارزیابی کردند.

در این زمینه، در چارچوب بهبود روابط ایران و کشورهای عرب منطقه خلیج فارس، برگزاری هشتمین اجلاس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در آذر ۱۳۷۶ در تهران را می‌توان نقطه عطفی دانست. این اجلاس، علی‌ترین و روشن‌ترین نشانه تمایل ایران و دولت‌های خلیج فارس برای بسط روابط در قالب‌های جدید بود. از سویی، اجلاس تهران فرصت مناسبی برای سران کشورهایی مانند عربستان، کویت و عراق بود تا به ایران سفر کنند و با طرح مشکلات دوجانبه، اختلافات فی‌مابین را حل و فصل کنند و از سوی دیگر، حضور اعراب به طور کامل در اجلاس تهران، در حالی که چند هفته پیش از آن، شرکت در اجلاس اقتصادی خاورمیانه و شمال آفریقا در قطر را به علت حضور اسرائیل تحریم کرده بودند. مهر تأیید دیگری بر استقبال اعراب از سیاست جدید ایران بود.

احتمالاً مهم‌ترین کمکی که نشست سران به طرح سیاست تنش‌زدایی ایران کرد، فرصت غیرمنتظره‌ای بود که برای گفت‌وگوی دوجانبه با رهبران عرب و مقامات رسمی کشورهای بحرین، مصر، عراق، عربستان و دیگران فراهم ساخت. موضوع‌های مهم مورد بحث، شامل مناقشه ایران و امارات بر سر جزایر ایرانی تنب و ابوموسی، اختلافات ایران با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، اختلافات ایران و عراق بر سر مبادله اسیران جنگی و دیگر موضوع‌ها حل نشده بوده است. در زمینه بهبود روابط ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، می‌توان به روابط ایران و عربستان اشاره کرد. پس از نزدیک به دو دهه تشنج و بی‌اعتمادی در روابط دو کشور ایران و عربستان سعودی، برگزاری هشتمین اجلاس سران کنفرانس اسلامی در تهران و حضور هیئت بلندپایه عربستان در آن را باید سرآغاز فصل نوینی در مناسبات دو کشور دانست. یکی از آثار بارز سیاست تنش‌زدایی در روابط دو کشور، در کیفیت مناسبات اقتصادی، اجتماعی، تجاری، امنیتی و ارتباطات شکل گرفت. مسافرت رسمی هاشمی‌رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به عربستان سعودی در زمستان ۱۳۷۶، سرآغاز دوره جدیدی در روابط دوجانبه به شمار می‌رود. چنانچه در جریان این مسافرت، تدارک توافقنامه‌های همکاری متعددی در زمینه‌های سرمایه‌گذاری‌های مشترک، اقتصادی، تجاری، علمی و آموزشی، فنی، ورزشی و غیره مورد بررسی قرار گرفت (روزنامه جمهوری اسلامی، ۴ اسفند ۱۳۷۶).

عربستان سعودی، مهم‌ترین کشور عرب منطقه محسوب می‌شد و ایران نیز به همین دلیل برای تنش‌زدایی، اعتمادسازی و توسعه مناسبات فی‌مابین منطقه‌ای تلاش بسیاری می‌کرد.

جمهوری اسلامی تلاش کرد در این دوران، مناسباتش را با دیگر کشورهای منطقه بهبود و توسعه بخشد. در این راستا، عمان یکی از کشورهایی بود که به طور سستی روابط حسنه و نزدیکی با ایران داشته است. پس از آغاز کار خاتمی و اعلام سیاست تنش‌زدایی، روابط دو کشور روز به روز ابعاد گسترده‌تری به خود گرفت. درواقع، سفر ناطق نوری در اردیبهشت ۱۳۷۷ به عمان، نقطه عطف این روابط پس از اعلام سیاست تنش‌زدایی بود. پس از این سفر، ملاقات‌هایی که میان دو کشور انجام شد، عمدتاً از ناحیه مقامات نظامی دو کشور حول موضوع‌های نظامی، دفاعی و امنیتی صورت گرفت.

۹. رابطه جمهوری اسلامی ایران با سازمان‌های بین‌المللی

۹-۱. رابطه با سازمان کنفرانس اسلامی

هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی به ریاست خاتمی از ۲۰-۱۸ آذر ۱۳۷۶، در تهران برگزار شد. این اجلاس، با شعار «عزت، گفت‌وگو و مشارکت» کوشش کرد تا ضمن حفظ عزت مسلمانان و کشورهای اسلامی در تمامی سیاست‌گذاری‌ها و ارتباطات، مذاکره را به منزله اصل مهم برای رفع سوء تفاهم‌ها و اختلافات میان اعضا در نظر بگیرند. حضور تمامی اعضای سازمان و همچنین ۲۹ تن از رؤسای جمهور و پادشاهان کشورهای اسلامی و حضور دیگر دولت‌ها با وجود کارشکنی و سنگ اندازی‌های امریکا، موجب ارتقای نقش جمهوری اسلامی ایران در محیط بین‌المللی شد.

موضوع‌های مهم مورد گفت‌وگوی طرفین، شامل مناقشه ایران و امارات متحده عربی بر سر جزایر سه‌گانه اختلافات ایران با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس درباره روند صلح خاورمیانه و حضور نیروهای امریکایی در خلیج فارس، اختلافات ایران و عراق بر سر مبادله اسیران جنگی و دیگر موضوع‌های فی‌مابین بود؛ از این موضوع‌ها گذشته، هدف اصلی ایران در این اجلاس، ایجاد فضایی از اعتماد و اطمینان در مناسبات خود با تمامی همسایگانش در منطقه خلیج فارس بود. (رمضانی، ۱۳۹۸: ۱۲۱)

۹-۲. رابطه با سازمان ملل متحد

همان‌طور که گفته شد، تحول جدی و اساسی در رویکرد جمهوری اسلامی ایران درباره سازمان‌های بین‌المللی در ۲ خرداد ۷۶، به وجود آمد. از این نقطه زمانی به بعد، ادغام‌ایران در نظام

بین‌المللی در سطوح دوجانبه و چندجانبه شدت یافت. خاتمی در نطق خود در پنجاه و سومین مجمع عمومی سازمان ملل از جامعه جهانی خواست که سال ۲۰۰۱ را سال «گفت‌وگوی تمدن‌ها» اعلام کنند. همچنین، برنامه‌های مناسبی نیز برای نهادینه کردن آن تدارک ببیند. پیشنهاد خاتمی با استقبال برخی شخصیت‌های سیاسی و علمی جهان از جمله کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد روبه‌رو شد و از آن به عنوان ابتکار شجاعانه یاد کردند. (امیری، ۱۳۷۷: ۱۳۸)

در نهایت، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه ۵۳/۲۲، خود در تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۹۸، طرح پیشنهادی خاتمی را با اجماع تأیید کرد و سال ۲۰۰۱ را به عنوان سال گفت‌وگوی تمدن‌ها اعلام کرد. تصویب این قطعنامه، در واقع نقش جدیدی را در جامعه بین‌المللی بر عهده ایران گذارد و موقعیت منحصر به فردی را پیش روی کشورمان قرار داد. این موضوع می‌تواند از آن به منزله بستر مناسبی برای حل برخی مشکلات خود در صحنه جهانی بهره بگیرد.

ضمن اینکه طرح گفتگوی تمدن‌ها تا حد زیادی در تصحیح و بازسازی چهره ایران نزد افکار عمومی جهانی مؤثر بود، نمایانگر فعال‌تر شدن جمهوری اسلامی در سازمان‌های بین‌المللی نیز بود. حضور خاتمی در نشست هزاره سران کشورها در سازمان ملل در سپتامبر ۲۰۰۰ و حضور در اجلاس ویژه یونسکو در پاریس و همچنین حضور دیگر مقامات ایرانی در کنفرانس‌ها و اجلاس‌های متعدد بین‌المللی در خصوص گفت‌وگوی تمدن‌ها، نشان‌دهنده نقش‌آفرینی ایران در عرصه سازمان‌های بین‌الملل بود.

۳-۳. رابطه ایران و آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای

بر اساس منشور سازمان ملل متحد، کشورها باید در روابط بین‌الملل از هرگونه تهدید یا کاربرد زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشورهای دیگر به هر روشی که با اهداف سازمان ملل متحد مغایر باشد، خودداری کنند؛ بنابراین، منشور کاربرد سلاح‌های اتمی را مغایر با اهداف این سازمان در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌داند؛ در نتیجه از همان آغاز مقرر شد، تدابیری برای جلوگیری از گسترش این سلاح‌ها در نظر گرفته شود. در سال ۱۹۵۶، اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای به عنوان یکی از نهادهای تخصصی وابسته به سازمان ملل مورد تصویب ۸۰ کشور قرار گرفت. این سازمان بین‌المللی، با هدف ترویج و توسعه کاربردهای انرژی هسته‌ای در قالب صلح‌آمیز و علمی آغاز به کار کرد. با نظارت این سازمان در سال ۱۹۶۸، پیمان منع تولید و تکثیر سلاح‌های هسته‌ای تصویب شد. در این پیمان، بر اعتقاد به اینکه گسترش

سلاح‌های هسته‌ای خطر جنگ هسته‌ای را به صورت جدی افزایش خواهد داد تأکید شده است. رعایت قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مستلزم بستن موافقت‌نامه‌هایی به منظور جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای است. این پیمان، در نظر دارد بهره‌گیری صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای را توسعه دهد و مانع گسترش تسلیحات هسته‌ای شود. (توسلی نایینی، ۱۳۸۳: ۳۲) ایران در سال ۱۹۶۸، پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را پذیرفت و در شمار نخستین دولت‌هایی بود که در سال ۱۹۷۰، این پیمان را تصویب و پایبندی خود را به مقررات آن اعلام کرد. ایران عضو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است و اساسنامه آن را سال‌ها پیش از تصویب پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای پذیرفته است. همچنین، دولت ایران در شمار نخستین دولت‌هایی است که در سال ۱۹۷۳، با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، موافقت‌نامه دوجانبه امضا کرده است و به موجب آن، فعالیت‌های هسته‌ای خود را تحت نظارت و بازرسی‌های آن قرار داده است. غیر از این اسناد، دولت ایران پیمان ۱۹۶۳ مسکو درباره منع پاره‌ای از آزمایش‌های هسته‌ای و نیز پیمان عدم استقرار سلاح هسته‌ای در دریا و بستر دریاها را نیز پذیرفته و بارها وفاداری خود را به مقررات آنها اعلام کرده است. پذیرش این اسناد، نشان می‌دهد که ایران در زمینه خلع سلاح و گسترش ندادن جنگ‌افزار هسته‌ای حسن‌نیت دارد؛ زیرا اگر دولتی در صدد دست یافتن به سلاح هسته‌ای باشد، هرگز حاضر نمی‌شود این همه اسناد بین‌المللی راجع به موضوع‌های هسته‌ای را با رغبت کامل بپذیرد و به مقررات آن پایبند باشد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران بار دیگر پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای معروف به (NPT) را مورد تأیید قرار داد جمهوری اسلامی ایران براساس مبانی و اصول مندرج در قانون اساسی خود معتقد است که سلاح‌های هسته‌ای بسیار خطرناک است و می‌تواند موجبات کشته شدن بسیاری از افراد بی‌گناه را فراهم آورد و کاربرد آن در جنگ‌ها و علیه افراد بشر درست نیست. (توسلی نایینی، ۱۳۸۳: ۳۵)

پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای ۲۵ سال اعتبار داشت و در سال ۱۹۹۳، این دوره ۲۵ ساله به پایان رسید. به هنگام تمدید پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در سال ۱۹۹۳، مطرح شد که آیین‌نامه اجرایی این پیمان در دو سال آینده تدوین و اجرا خواهد شد. به همین دلیل، آیین‌نامه اخیر ۲+۹۳ (پروتکل الحاقی) نام گرفت. در این پروتکل، آمده است که کشورهای بیرون از باشگاه هسته‌ای نمی‌توانند از نیروی عظیم انرژی هسته‌ای در امور نظامی استفاده کنند و

باید به صورت مداوم هیئت‌هائی از آژانس بین‌المللی در این زمینه از تأسیسات هسته‌ای کشورهای عضو بازدید مستمر داشته باشند تا هیچ کشوری تخلف نکند. (توسلی‌نایینی، ۱۳۸۳: ۳۲)

نتیجه‌گیری

در دوره سازندگی، اصولی چون نوسازی اقتصادی، حفظ تمامیت ارضی، تنش‌زدایی و توسعه روابط منطقه‌ای و بین‌المللی، محورهای اصلی سیاست خارجی بودند. این اصول بر مبنای ارزش‌های اسلامی و منافع ملی تنظیم شده و در قالب استراتژی چندجانبه‌گرایی و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی پیگیری شد. در این دوره، ایران تلاش کرد تا با بهره‌گیری از دیپلماسی فعال، جایگاه منطقه‌ای و جهانی خود را تثبیت کند و در عین حال، منافع اقتصادی و امنیتی خود را تامین نماید. سیاست‌های داخلی و خارجی در این دوره، نشان‌دهنده توازن میان اصول ایدئولوژیک و واقع‌گرایی استراتژیک بود که در نهایت منجر به تثبیت هویت ملی و اسلامی در عرصه بین‌المللی شد.

در دوره اصلاحات، تمرکز بر توسعه سیاسی- فرهنگی، گفت‌وگوی تمدن‌ها، تنش‌زدایی و بهبود روابط با اروپا و کشورهای همسایه، تغییراتی در گفتمان سیاست خارجی ایجاد کرد. این دوره، نشان‌دهنده تمایل ایران به تعامل سازنده با نظام بین‌الملل و پذیرش هنجارهای جهانی بود. سیاست‌های ایران در این دوره، بر مبنای هنجارهای بین‌المللی، پذیرش سازمان‌های جهانی و تلاش برای کاهش تنش‌ها قرار گرفت. این رویکرد، بهبود روابط با کشورهای منطقه و جهان، ارتقاء جایگاه ایران در مجامع بین‌المللی و تبیین هویت صلح‌طلب و توسعه‌گرا در سطح جهانی را در پی داشت.

در تحلیل روابط منطقه‌ای، نقش ایران در بهبود روابط با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، عربستان، عمان و دیگر کشورهای منطقه، نشان‌دهنده تمایل به کاهش تنش‌ها و توسعه همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی است. همچنین، روابط با اتحادیه اروپا و آمریکا، در قالب سیاست‌های تنش‌زدایی و تعامل، همواره با چالش‌هایی مواجه بوده است، اما در عین حال، فرصت‌هایی برای بهره‌برداری از دیپلماسی فرهنگی و اقتصادی فراهم کرده است.

در حوزه سازمان‌های بین‌المللی، ایران در دوره‌های مختلف، نقش فعال‌تری ایفا کرده است. همکاری با سازمان ملل، جنبش عدم تعهد، آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و دیگر نهادهای جهانی، نشان‌دهنده تمایل ایران به حضور فعال و تاثیرگذار در عرصه بین‌المللی است. این

سیاست‌ها، در کنار تلاش برای تبیین هویت ملی و اسلامی، به تثبیت جایگاه ایران در نظام جهانی کمک کرده است.

در مجموع، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در هر دوره، تحت تأثیر عوامل داخلی، منطقه‌ای و جهانی، تغییرات و تحولات اساسی داشته است. این سیاست‌ها، در راستای حفظ منافع ملی، هویت اسلامی و امنیت منطقه‌ای، با رویکردهای واقع‌گرایانه و ایدئولوژیک، تلاش کرده است تا ضمن مقابله با چالش‌ها، فرصت‌های جدیدی برای توسعه و تثبیت جایگاه منطقه‌ای و جهانی بیابد. آینده سیاست خارجی ایران، نیازمند تداوم دیپلماسی فعال، بهره‌گیری از فرصت‌های بین‌المللی و مدیریت چالش‌های منطقه‌ای و جهانی است که در پرتو تحولات جهانی و منطقه‌ای، باید به سمت استراتژی‌های نوین و انعطاف‌پذیر حرکت کند.

منابع

قرآن کریم.

- احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸). سیاست خارجی ایران در دوره سازندگی، ترجمه ابراهیم متقی، زهره پوستین چی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران.
- ازغندی، سید علیرضا (۱۳۷۸). تنش زدایی در سیاست خارجی: مورد جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی، ۱۳ (۵۲)، ۱۰۳۵-۱۰۴۸.
- ازغندی، سید علیرضا (۱۳۸۰). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: قومس.
- اسدی، بیژن (۱۳۷۹). ایران و خلیج فارس: سیاست تنش زدایی، گفتگوی تمدن‌ها، مناسبات جدید و صلح و امنیت منطقه، سیاست خارجی، ۱۴ (۵۶)، ۱۰۵-۱۲۸.
- اسدی، بیژن (۱۳۸۷). سیاست خارجی دولت اصلاحات، موفقیت‌ها و شکست‌ها، تهران: باز.
- امیری، عبدالله (۱۳۸۵). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: موسسه نشر علوم نوین.
- آقایی، سید داود؛ رسولی، الهام (۱۳۸۸). سازه انگاری و سیاست خارجی ج.ا.ا در قبال اسرائیل، سیاست، ۳۹ (۱)، ۱-۱۶.
- باقری، علی اکبر (۱۳۸۶). خلیج فارس، امنیت منطقه‌ای و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، معرفت، ۱۶ (۱۱۵)، ۱۱۳-۱۲۶.
- توسلی نایینی، منوچهر (۱۳۸۳). حقوق و تعهدات ایران در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۱۹ (۲۰۳ و ۲۰۴)، ۳۲-۳۹.
- حافظیان، محمدحسین (۱۳۸۸). روابط ایران و کشورهای عربی خلیج فارس: چشم اندازهای آینده، مطالعات خاورمیانه، ۱۶ (۲)، ۷-۲۸.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۴). تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: موسسه انتشاراتی ایران.
- رمضانی، روح الله (۱۳۹۸). چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- روزنامه جمهوری اسلامی، ۴ اسفند ۱۳۷۶.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴). تحول در نظریه‌ای روابط بین الملل، تهران: انتشارات سمت.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵). تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه انگاری، در نگاهی به سیاست خارجی ج.ا.ا، نشرین مصفا، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.